**قسب و کروت**

**شهیدی، سید جعفر**

در دیوان انوری ابیوردی این بیت‏ها ضمن قطعه‏ای در وصف قاضی حمید الدین ادیب‏ معروف و معاصر انوری آمده است:

پیش نظم چون نسیج الوحد تو چیست نظم ما نسیج العنکبوت‏ گرچه در تألیف این ابیات نیست‏ بی‏سمین غثی و قسبی بی‏کروت

پیداست که انوری بقرینهء مقابله آوردن نسیج الوحد با نسیج العنکبوت می‏خواهد نظم‏ او را محکم و نظم خود را سست بشناساند.و از مقابله آوردن غث و سمین مقصود او این‏ است که در شعرهای خود اگر ناسخته‏ای آورده با سخته همراه است.اما قسب و کروت چیست و چرا این دو کلمه مقابل هم آورده است.

قسب:این کلمه در فرهنگ لغات انوری که ذیل دیوان،تصحیح جناب آقای مدرس‏ رضوی چاپ شده خرمای خشک که در دهان ریزه شود معنی گردیده است(ص 1160 ج 2) و گویا عبارت،منقول از لغت‏نامه و یا از منتهی الارب است.در السامی فی الاسامی:«القسب، خرما که در دهن از هم بشود».

در لغت‏نامه علاوه بر معنی کلمهء قسب شرحی در تعریف و خواص پزشکی آن از مخزن- الادویه نقل شده است.

کروت:در لغت‏نامه باستناد یادداشت مرحوم دهخدا فربی،چاق معنی شده و بیت‏ مورد بحث از انوری به شاهد آمده است ولی بجای قسب،غث ضبط کرده‏اند.که گویا ماخذ آن نوشتهء جهانگیری است.(ر ک ج اول ص 1109 دکتر عفیفی).این کلمه در اسدی‏ صحاح الفرس،معیار جمالی،سروری و حتی رشیدی که متأخر از سروری و جهانگیری است‏ و به فرهنگ این دو نظر داشته نیامده.در غیاث اللغات ظرف آب و در برهان و آنندراج‏ و فرهنگ‏های متأخر فربه معنی شده است،و باحتمال قوی معنی فربه را از همین بیت انوری‏ استخراج کرده‏اند.ولی چرا این واژه و معنی آن از دیگر فرهنگ‏ها فوت گردیده؟و چرا حتی یک شاهد دیگر حتی در لغت نامه‏ها برای آن دیده نمیشود جای تأمل است.

تردیدی نیست که کلمه کروت یا لفظی بهمین وزن است.زیرا در قافیه قرار گرفته‏ است.برای اطمینان خاطر بکلماتی چون گروت،کزوت،گزوت و مشابه آن مراجعه‏ شد و مشکل حل نگردید.چون مسلم است که قصب یا قسب بمعنی خرماست،و از طرفی معنی‏ غث و سمین را هم میدانیم،پس کروت به قیاس با کلمه قسب باید بمعنی خرمای سفت و سخت‏ و یا چیزی شبیه بدان باشد،بهر حال نباید فربی و چاق معنی دهد مگر آنکه قسب را بمعنی‏ لاغر بگیریم که آنهم سندی ندارد.برای یافتن معنی درست کلمه از دوستان و همکاران فاضل‏ دانشگاهی و غیر دانشگاهی پرسش میکردم تا آنکه آقای دکتر بهزادی اندوهجردی دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهء ادبیات و علوم انسانی،گفتند که در بخش اندوهجرد و شهداد،قسب و کروت دو نوع خرماست معروف.کروت خرمائی است سیاه رنگ با هسته‏ درشت و طبع آن بغایت گرم چنانکه مردم گویند باید آنرا با ماست خورد.و قسب‏ خرمای زرد رنگ خشک است.(گویا آنچه نزد ما به خرمای زایدی معروف است)با این توضیح مشکل بکلی یا تا اندازه‏ای بر طرف گردید و مسلم شد که کروت بمعنی فربه نیست. و فرهنگ‏نویسها شاید با توجه به شعر انوری و با ملاحظه غث و سمین بخطا آنرا فربه‏ معنی کرده‏اند.برای اطمینان کامل و داشتن سند مکتوب بانتشارات دانشکدهء کشاورزی‏ ایران در آذرماه سال 1350 دربارهء خرما منتشر کرده است در صفحه 19 کروت خرمای‏ درجهء دوم شهرستان جیرفت و قصب-قسب خرمای درجهء اول شهرستان شهداد معرفی شده‏ است.بنابراین جای تردید نیست که قسب و کروت نام دو نوع خرماست نه یکی بمعنی خرما و دیگری بمعنی چاق.و آنچه در جهانگیری و بنقل از آن فرهنگ در دیگر فرهنگ‏ها ذکر کرده‏اند بر اساسی نیست.آمدن قسب و کروت با یکدیگر در بیت انوری مشکل دیگری را نیز تا اندازه‏ای‏ می‏گشاید و آن تائید نظر استاد محترم آقای دکتر خانلری دربارهء(قصب الجیب)در عبارت‏ سعدی است که نوشته‏اند صحیح قسب و جنیب است و آن دو نوع خرماست(ر ک:سخن شماره‏ 7 و 8 سال 14 ص 726-728)نه قصب الجیب و نه صورت‏های دیگر که به حدس و احتمال اظهار شده است.

جبر

یا رب تو به دوزخ از چه پرداخته‏ای؟ و آن تیغ عقوبت از چه رو آخته‏ای؟ دانی به یقین که ما درین دیر خراب‏ از نیک و بد آنیم که خود ساخته‏ای.

نصر الله فلسفی